

روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم

اردشیر سنائی^۱

استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

رومیسا رحمتی مقدم

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۳/۹/۴ - تاریخ تصویب ۹۳/۱۲/۲۳)

چکیده

عمده کشورهای اروپایی علاقه‌مند به برقراری روابط و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بوده‌اند. هر چند در طول سه دهه گذشته روابط طرفین فراز و نشیب‌های گوناگونی (اعم از خصمانه و یا دوستانه) را پشت سر گذاشته است. با آغاز بحث پرونده هسته‌ای ایران، کشورهای اروپایی سعی کردند محوریت خود را در مناسبات میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حفظ نمایند. سرانجام همراهی اروپا با آمریکا پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارسال نمود. اما یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران مرحله جدیدی از مناسبات ایران و اتحادیه اروپا را رقم زد. طرح مباحثی چون اعتدال و میانه‌روی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و تعامل سازنده با نظام بین‌الملل از سوی دولت با استقبال کشورهای اروپایی روبه‌رو شد. اتحادیه اروپا در قالب گروه ۵+۱ روند مذاکرات برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران را دوباره آغاز نمود. مذاکرات سرانجام در نوامبر ۲۰۱۴ (آذر ۱۳۹۳) منجر به توافق موقت ۶ ماهه ای ژنو شد. مذاکرات طرفین برای رسیدن به توافق جامع و نهایی پس از دو بار تمدید توافق ژنو (در زمان نگارش این مقاله) کماکان ادامه دارد. مولفین در این مقاله سعی دارند تا چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم ارائه دهند.

واژگان کلیدی: ایران، اتحادیه اروپا، دولت یازدهم، روابط خارجی، نظریه سازه‌نگاری

Email: Ardeshir_sanaie@yahoo.com

نویسنده مسئول

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی به شماره قرارداد ۱۴۰۴/۱۹۸۲۷۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۱ ارائه شده به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی با عنوان "جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی اتحادیه اروپا (از سال ۲۰۱۳ به بعد)" می‌باشد.

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران و انتخاب حسن روحانی شروع دوران جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. تاکید بر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط و تلاش برای تعامل سازنده و متقابل با جهان خارج از جمله مباحث محوری روحانی در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور بود. این سخنان و برنامه‌ها مورد توجه کشورهای خارجی نیز قرار گرفت و شکل‌گیری نوعی نگاه جدید از سوی دولت‌های خارجی نسبت به ایران را به دنبال داشت. اولین بازخورد این نگاه جدید را می‌توان در استقبال مقامات کشورهای مختلف از ریاست جمهوری حسن روحانی و حضور سران و مقامات حدود ۶۰ کشور جهان در مراسم تحلیف رئیس جمهوری ایران مشاهده کرد.

در این میان نگاه اروپا به ایران در دولت یازدهم با توجه به جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین الملل و تاثیرگذاری آنها در موضوعات مهم جهانی از جمله پرونده هسته ای ایران حائز اهمیت است. کشورهای اروپایی همواره نگاه ویژه‌ای به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس داشته‌اند. نفوذ سیاسی و تسلط بر بازارهای اقتصادی با توجه به جمعیت قابل توجه در این منطقه همواره از نکات قابل توجه اروپا به این منطقه بوده است. در این میان ارتباط با ایران به عنوان کشوری بزرگ با امکانات فراوان و در مجاورت دریای خزر و خلیج فارس برای اغلب کشورهای اروپایی حائز اهمیت بوده است. کشف نفت و برنامه‌های توسعه طلبانه ایران در دوران پهلوی اول و دوم و نگاه متقابل ایران و اروپا در تشدید این مناسبات اثرگذار بود. در این میان موضوع جنگ سرد و قرار گرفتن ایران در مجاورت شوروی نیز در ایجاد نزدیکی میان اروپا و ایران همواره تاثیرگذار بوده است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سپس وقوع جنگ بین ایران و عراق (و حمایت اروپایی ها از عراق) هر چند بر روابط طرفین اثر منفی گذاشت اما مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ایران (هر چند با شدت کمتر) تداوم یافت. صدور فتوای قتل سلمان رشدی هم با وجود قطع روابط سیاسی طرفین، روابط اقتصادی آنها را تحت الشعاع قرار نداد. رویکرد اروپا و آغاز گفتگوهای انتقادی نشان از آن داشت که ایران علی‌رغم سیاست‌هایش از جایگاه خاصی در سیاست خارجی کشورهای اروپایی برخوردار است و اروپا به دلایلی خواستار تحکیم مناسبات دوجانبه با ایران می‌باشد.

صدور حکم دادگاه میکونوس بار دیگر مناسبات سیاسی طرفین را تحت الشعاع قرار داد اما رویکردهای جدید ایران پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ با استقبال طرف اروپایی مواجه شد و گفتگوهای سازنده جای گفتگوهای انتقادی را گرفت. تحکیم روابط که با سفرهای رئیس جمهور ایران به برخی از کشورهای اروپایی (برای اولین بار) تقویت شد تا زمان آغاز پرونده هسته‌ای ایران ادامه داشت.

با شروع بحث پرونده هسته‌ای و متعاقب به قدرت رسیدن اصولگرایان در ایران دوران سردی روابط طرفین آغاز شد که تا سال ۱۳۹۲ نیز ادامه داشت. با به قدرت رسیدن حسن روحانی در ایران و اتخاذ سیاست خارجی جدید، رویکردهای جدیدی در مناسبات اروپا و ایران آغاز شد. مجموعه تحولات باعث گردید تا برای نخستین بار در طی ده سال گذشته توافقی برای حل و فصل مسائل هسته‌ای ایران در ژنو حاصل شود. در این مقاله قصد آن داریم تا چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم ارائه دهیم. سوال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم چگونه و از چه منظر تحلیلی - تئوریکی قابل ارزیابی است؟

نظریه سازه گرایی

در این مقاله به منظور درک ماهیت روابط بین ایران و اتحادیه اروپا رویکرد سازه‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازه‌گراییان چگونگی شکل‌گیری هویت و منافع دولت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند. دیدگاه سازه‌گرایی به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابند. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی برمی‌خیزد و نه به شکلی تحلیلی و ماقبل آن، نسبت به نوع تعامل میان دولت‌ها و همکاری یا تعارض میان آنها نه می‌توان خوش بین بود و نه بدبین. روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند و نه توزیع قدرت (نورمحمدی، ۲۳۹، ۱۳۹۱-۲۳۸).

بر همین اساس، هویت به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران است. کنشگران منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند، یعنی همان معانی که ساختارها را تعریف می‌کنند و به کنش‌های ما سازمان می‌دهند. هویت‌ها و منافع اموری رابطه‌ای هستند و وقتی ما موقعیت را تعریف می‌کنیم، تعریف می‌شوند. هر دولت می‌تواند هویت‌های بسیار متعددی داشته باشد. در تعهد به هر هویت و اهمیت آن تغییر ایجاد می‌شود، اما هر هویتی تعریف اجتماعی کنشگر است و ریشه در نظریه‌هایی دارد که کنشگران به شکلی جمعی درباره خود و یکدیگر دارند و به ساختار جهان اجتماعی قوام می‌بخشد (همان، ۲۳۹).

ونت و اونوف معتقدند که هویت و منافع دولت‌ها ثابت نیستند. هویت دولت‌ها شکل دهنده منافع آنهاست و هویت دولت‌ها نیز در روند تعاملات میان بازیگران با یکدیگر شکل می‌گیرد. شکل‌گیری گونه‌های جدید تعاملات، به تدریج هویت بازیگران و در نتیجه منافع و نوع رابطه میان بازیگران را تغییر می‌دهد. از دیدگاه سازه‌گراییان، هنجارها و قواعد علاوه بر این که هویت بازیگران را شکل می‌دهند، روابط میان آنها را نیز تنظیم می‌کنند. سازه‌گراییان معتقدند حاکمیت حق ذاتی یک دولت نیست، بلکه حقی است که توسط دیگر دولت‌ها به او اعطای می‌شود. بنابراین، حاکمیت یک مقوله جمعی است و هویت دولت‌ها نیز در جمع سایر دولت‌ها مشخص می‌شود (اسکندریان، ۲۰۱، ۱۳۸۳-۱۷۵).

بازیگران بر اساس هویت خود به دنبال منافع هستند و هویت و منافع در قالب جمع معنا می‌یابد. هدف رویکرد سازه‌گرایی افزایش وابستگی متقابل، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای داخلی ضمن ارزش نهادن متقابل به هنجارهای جهانی است که موجب می‌شود دولت‌ها یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به همین دلیل روابط میان دولت‌ها کمتر منازعه‌آمیز می‌شود. در واقع، سازه‌گراییان به چگونگی شکل‌گیری هویت و منافع بازیگران توجه دارند و معتقدند که هویت دولت‌ها تحت تاثیر هنجارهای داخلی و خارجی شکل می‌گیرد و هویت به منافع دولت‌ها شکلی دهد (Guzzini, 2000, 153).

یکی دیگر از اصول محوری سازه‌گراییان، اعتقاد به تغییر و تحول در ماهیت روابط بین‌الملل است. سازه‌گراییان معتقدند که از طریق تغییر و دگرگونی نوع نگاه و اندیشه ما نسبت به روابط بین‌الملل، می‌توان فرهنگ جدیدی به جای فرهنگ‌های قبلی و دشمنی بر روابط کشورها حاکم کرد. آنارشی ظرف توخالی است که عملکرد و تعاملات میان دولت‌ها معنای آن را مشخص می‌کند. دولت‌ها می‌توانند با تغییر در عملکرد و رویه‌های تعامل میان خود، تلقی و نگاه دیگر بازیگران را نسبت به خود عوض کنند (نورمحمدی، همان، ۲۴۰).

مکتب سازه‌گرایی، مکتبی است که به تحول روابط بین‌الملل بر اساس تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی اعتقاد دارد که در روند تعامل متقابل، جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد (فلاحی، ۱۳۸۰، ۱۷۹). در این

مکتب یکی از مسایل مهم هویت کنشگران است که به تعبیری در کانون رهیافت سازه گرایی است. هویت عبارت است از فهم ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش می باشد. هویت ها به طور همزمان به گزینش های عقلانی قوام می دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین الملل هستند که به آنها شکل می دهند. هویت ها را نمی توان به شکل ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها، تعریف کرد. آنها ذاتاً آموری رابطه ای هستند و باید به عنوان مجموعه ای از معانی تلقی شوند که یک کنشگر با در نظر گرفتن چشم انداز دیگران یعنی به عنوان یک ابره اجتماعی به خود نسبت می دهد. هویت های اجتماعی برداشت های خاصی از خود را در رابطه با سایر کنشگران نشان می دهند و از این طریق منافع خاصی تولید می کنند و به تصمیمات سیاست گذاری شکل می دهند. اینکه " خود " خود را دوست، رقیب یا دشمن دیگری " بداند، تفاوت زیادی در تعامل آنها ایجاد خواهد کرد (Wendt, 1992, 384-386).

به این ترتیب، از نگاه سازه گرایان، واقعیت بین المللی یعنی ساختارهای بنیادین بین المللی، فهم دولت ها از خود، و رفتار عمومی دولتها را شناخت بیناذهنی، که خود وابسته به فرایند تعامل بین المللی است، قوام می بخشد. به بیان ونت، ساختار جدا از فرایند یعنی رویه های کنشگران وجود ندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۳۳۳).

از نظر کوزلووسکی و کراتوچویل، در سیاست بین الملل کنشگران از طریق کنش هایشان نظام را باز تولید یا متحول می سازند. ساختارهای هر نظام بین الملل برای باز تولید خود وابسته به رویه های کنشگران اند. تغییر نظام بین الملل هنگامی رخ می دهد که کنشگران از طریق رویه های خود هنجارها و قواعد تشکیل دهنده تعاملات بین المللی را تغییر می دهند و باز تولید رویه کنشگران بین المللی (دولت ها) وابسته به باز تولید رویه های کنشگران داخلی یعنی افراد و گروه هاست. بنابراین دگرگونی های بنیادین در سیاست بین الملل هنگامی رخ می دهد که باورها و هویت های کنشگران داخلی تغییر کند و از این طریق، هنجارهای قوام بخش در رویه های سیاسی آنها تغییر ایجاد کند (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۳۵۳).

سازه گرایان سرچشمه امنیت و نا امنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده ها و موضوعات، نامتجانس تر و متناقض تر باشد میزان بی اعتمادی میان آنان افزایش بیشتری می یابد و دولت ها بیشتر به سوی خودیاری و خودمحوری حرکت می نمایند. اما چنانچه بتوان ساختاری از دانش مشترک ایجاد نمود، آنگاه می توانیم کشورها را به سوی جامعه امنیتی صلح آمیزتری رهنمون نماییم. بنابراین، امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر قرار دارد (عباسی اشلقی، ۱۳۸۳، ۵۲۵-۵۴۹).

مطالعات امنیتی سازه گرایان بر دو فرضیه عمده بنا شده است. اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم آنکه تغییر تفکر در خصوص روابط بین الملل می تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین الملل و بهبود آن گردد. این بدان معناست که چنانچه تفکر ما تغییر نماید وضعیت امنیتی نیز تغییر خواهد کرد (عبداله خانی، ۱۳۸۲، ۱۸۵).

سازه گرایان درباره پیش بینی سیاست خارجی و اقدامات دولت ها در صحنه نظام بین الملل نیز معتقدند که هر قدر میزان سازگاری میان قواعد و هنجارهای داخلی دولت ها با قواعد و هنجارهای بین المللی بیشتر باشد بهتر می توان به تبیین اقدامات آنها از یک سو و پیش بینی رفتار و سیاست خارجی آنها از سوی دیگر پرداخت. این در حالی است که میزان ناسازگاری این دو مولفه مشکلاتی را در پیش بینی اقدامات خارجی آنها در نظام بین الملل و در واکنش به دیگر دولت ها به وجود می آورد (هادیان، ۱۳۸۲، ۶۹).

پیشینه روابط ایران و اروپا

با پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و کشورهای اروپایی دستخوش تحولات عمده‌ای گردید. هر چند روابط ایران و مجموعه کشورهای اروپایی رو به تیرگی نهاد (سنایی، ۱۳۸۲، ۵۷). برخی از ناظران معتقد بودند اروپای غربی برخلاف دو ابرقدرت می‌تواند روابط بهتری با تهران داشته باشد (Halliday, 1994, 309). در سال‌های اول انقلاب، ترس عمومی از اثرات بی‌ثبات‌کننده انقلاب ایران، نگرانی از تسلط شوروی بر ایران، تسری تنش‌های ایران و آمریکا و سیاست‌های داخلی اروپای غربی روابط ایران و کشورهای اروپای غربی را تحت تاثیر قرار داد (Hunter, 1991, 142). ایران به دلایلی، مراکز فرهنگی اروپایی در ایران را تعطیل نمود و روابطش را با کشورهای کوچک‌تر اروپایی توسعه داد (سنایی، همان). به دنبال واقعه گروگان‌گیری در ایران، آمریکا خواستار مشارکت کشورهای اروپایی در تدابیر تنبیهی اقتصادی و مالی ایران از سوی کشورهای اروپایی شد. اما متحدان اروپایی آمریکا بیشتر حمایت سیاسی و دیپلماتیک نمودند، چرا که ارزش معاملات اقتصادی کشورهای اروپایی در ایران چشمگیر بود (علیخانی، ۱۳۸۰، ۸۹).

طی جنگ ایران و عراق کشورهای اروپایی ضمن شرکت در تحریم تسلیحاتی ایران، اقداماتی جهت خاتمه جنگ به عمل آوردند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸، فرصت مناسبی برای بهبود و توسعه روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا فراهم نمود. اما صدور فتوای قتل سلمان رشدی به وسیله امام خمینی (ره) در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷، واکنش و موضع‌گیری تند جامعه اروپایی را به دنبال داشت (رحمانی و نائب، ۱۳۷۵، ۵). جامعه اروپا در مقابل فتوای فوق ضمن احضار سفرای دول عضو از تهران، به کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی با ایران پرداخت (سنایی، همان، ۵۸؛ نوازی، ۱۳۸۱، ۴۴). هرچند با روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی سفرای اروپایی به تهران بازگشتند.

پس از اشغال کویت توسط عراق و به دنبال اتخاذ مواضع مناسب از سوی ایران، اروپا خواستار ارتقاء روابط با ایران شد. کشورهای اروپایی در آبان‌ماه ۱۳۶۹، تمایل خود را به ملاقات با مقامات ایران ابراز کردند و به دنبال آن وزیر خارجه ایرلند به عنوان اولین مقام عالی‌رتبه اروپایی به تهران سفر کرد و تمایل اروپا برای فعال‌تر نمودن مناسبات با ایران را اعلام کرد. به دنبال آن و در سال ۱۳۷۰، وزرای خارجه هلند، لوکزامبورگ و ایتالیا (تروئیکا) به ایران سفر کرده و آمادگی اتحادیه برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی اروپا با ایران را اعلام نمودند (رحمانی و نائب، همان، ۸-۹). همچنین سران ۱۲ کشور اتحادیه اروپا در پایان اجلاس ادینبورگ (۱۱ و ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲) طی بیانیه‌ای بر لزوم حفظ گفتگوی انتقادی با ایران تاکید نمودند (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۹، ۳۰). متعاقب آن نخست‌وزیر دانمارک به عنوان رئیس تروئیکا در ۶ آوریل ۱۹۹۳، طی نامه‌ای به هاشمی بر لزوم گفتگوی طرفین تاکید نمود (نوازی، همان، ۷۷). با اعلام سیاست مهاردوجانبه کلینتون، آمریکا از اتحادیه اروپا خواستار هماهنگی با آن کشور در مهار ایران شد، اما برخلاف آمریکا، اروپا نمی‌خواست ایران را منزوی سازد (سنائی، همان). در حقیقت، در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی؛ تلاش‌های زیادی جهت تامین همگرایی مجدد ایران با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته شد. در این راستا، ایران امیدوار بود بعد از سال ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا در موقعیتی قرار بگیرد که وزنه برابری را در مقابل ایالات متحده ایجاد نماید (Ehteshami, 1995, 164).

اما از تیرماه ۱۳۷۵، روابط ایران و اتحادیه اروپا به شدت تحت تاثیر جنجال دادگاه میکنونوس قرار گرفت. صدور حکم دادگاه میکنونوس ضربه‌ای اساسی به روابط طرفین وارد نمود (سنایی، همان؛ نوازی، همان، ۲۴۳). پس از صدور حکم دادگاه، اتحادیه اروپا در تصمیمی؛ اقدام به فراخوانی سفرای کشورهای عضو از تهران نمود (دهقان

طرزجانی، همان، ۳۴-۳۳). در زمستان ۱۳۷۵، اتحادیه اروپا اعلام کرد سفرای خود را به تدریج به تهران باز خواهد گرداند. اما با توجه به شرایط خاص ایران بازگشت سفرای اروپایی برای مدتی به فراموشی سپرده شد (همان).

شرایط فوق تا انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ باقی بود. با انتخاب محمد خاتمی و اعلام سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی به تدریج یخ‌های روابط ایران با اروپا ذوب شد (سنایی، همان، ۶۱). با توجه به تغییر چهره ایران در بعد بین‌المللی، سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی به ویژه در قبال غرب و گسترش روابط فرامنطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت و گفتگوی سازنده در روابط با اروپا، از اوایل اسفند ۱۳۷۶، جایگزین گفتگوی انتقادی‌گردید و پس از آن اتحادیه اروپا ترغیب به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ایران شد (دهشیری، ۱۳۸۰، ۳۸۷-۳۸۶). سفرای اتحادیه به ایران بازگشتند و اتحادیه گفتگوی جامع و فراگیر با ایران را درپیش گرفت (سنایی، همان، ۶۲).

اتحادیه اروپا از پیشنهاد گفتگوی تمدن‌های خاتمی استقبال نمود. کمال خرازی نیز از پیشنهاد رابین کوک وزیر خارجه انگلیس در زمینه گفت‌وگو میان سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه اروپا استقبال کرد (نوازی، همان، ۳۱۸). کمیسیون اروپا نیز در ۷۹/۱۱/۲۷ با انتشار گزارشی تصریح کرد که به دلایل سیاسی و اقتصادی به نفع اتحادیه اروپایی است تا روابط نزدیک‌تری را با ایران برقرار کند. در این گزارش، پیشنهاد انعقاد یک قرارداد تجاری بین ایران و اتحادیه اروپا مطرح شده بود (سنایی، همان، ۶۳).

در مقابل استراتژی مهار ایران، اتحادیه اروپا با برقراری تماس و ارتباط با ایران و سعی در آگاهی دقیق‌تر از نیت‌های ایران، تعدیل رفتار این کشور از طریق گفت‌وگو، مذاکره و درگیر کردن آن در پروژه عادی‌سازی مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را در پیش گرفت. در واقع سیاست درگیرسازی اروپا، در عین داشتن نگرانی در مورد نیت‌ها، توانایی‌ها و رفتار ایران، در مجموع در خصوص میزان خطر و تهدید ایران تفاوت آشکاری با سیاست کشورهای داشت که تهدید ایران را گسترده می‌دیدند (سجادپور، ۱۳۸۰، الف)، (۱۹۹-۱۹۷). با توسعه روابط ایران و اروپا رییس‌جمهور ایران برای اولین بار از سه کشور ایتالیا، فرانسه و آلمان رسماً دیدار کرد (همان، ۲۰۱-۲۰۰).

به دنبال وقایع ۱۱ سپتامبر، فضای نظام بین‌الملل به هم ریخته و ایران توسط جرج بوش در محور شرارت قرار گرفت. هرچند اروپا در مورد پیگیری برنامه سلاح‌های کشتار جمعی از سوی ایران و حمایت تهران از گروه‌های رادیکال خاورمیانه برخوردی محتاطانه داشته و با ادعای وزیر دفاع آمریکا مبنی بر پناه دادن اعضای القاعده توسط ایران چندان موافق نبود (سجادپور، ۱۳۸۰، ب)، (۹۷۷-۹۷۶).

اتحادیه اروپا، در ۲۷ خرداد ۱۳۸۱، علی‌رغم تبلیغات شدید آمریکا علیه ایران در لوکزامبورگ تصمیم به تعمیق و گسترش روابط با ایران گرفت و توافق نمود دو موافقت‌نامه جداگانه در زمینه مسائل تجاری و سیاسی با ایران امضا کند. هر چند پس از آن کشورهای اتحادیه اروپایی مذاکره در باب انعقاد موافقت‌نامه‌های فوق را به تعویق انداختند (سنایی، همان، ۶۶). از دیگر پیشرفت‌ها در روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا در این مقطع گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در لیست گروه‌های تروریستی از سوی اتحادیه اروپا بود (نوروز، ۸۱/۴/۱۶، ۶).

اتحادیه اروپا ضمن تأکید بر تداوم گفت‌وگو با ایران و بسط روابط تجاری و اقتصادی با این کشور بر سر مسائلی چون حقوق بشر، آزادی‌های اساسی شهروندان، رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی، رعایت معاهده‌های منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مقابله با تروریسم و خودداری از برهم زدن فرآیند صلح در خاورمیانه شرایطی را مطرح و خواستار گفتگو در مورد آنها با ایران گردید (سنایی، همان، ۶۶). اما در شرایط جدید بین‌المللی

مقامات اروپایی اعلام کردند بسط روابط طرفین بستگی به هماهنگی ایران با نظام بین‌الملل، اصول دموکراتیک و حقوق بشر دارد. همین‌طور در این گفتگوها در مورد خطوط اصلی همکاری طرفین در زمینه انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری صحبت و تبادل نظر صورت گرفت (Round table...", 2001, 131) اما نکته مهم، پافشاری اتحادیه اروپا بر پیش‌شرط‌های حقوق بشر، روند صلح خاورمیانه، تروریسم و تسلیحات کشتار دسته‌جمعی بود (سنایی، همان، ۶۶).

عمده مسائل میان ایران و اتحادیه اروپا از این پس متأثر از تحولات نظام بین‌الملل در محورهای مبارزه با تروریسم و مقوله فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. مقامات اتحادیه اروپا در ۳۰ جولای ۲۰۰۲ عنوان کردند که اتحادیه اروپا در صدد است که گفتگوهای تجاری با ایران را بر پیوستن ایران به پروتکل الحاقی و همچنین موضوعاتی مانند حقوق بشر و صلح خاورمیانه منوط کند.

در خردادماه ۱۳۸۲ وزرای خارجه اتحادیه اروپا از ایران خواستند اجازه دهد از تاسیسات هسته‌ای‌اش بازرسی‌های سختگیرانه‌تری اعمال شود (BBC, 2005/08/05) در ۲۱ ژوئیه، اتحادیه اروپا هشدار داد که اگر ایران همکاری کاملی با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نداشته باشد، بروکسل شاید در مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی تجدیدنظر کند. از اواخر سال ۲۰۰۴، شورای اروپا در نشست خود در ۴ و ۵ نوامبر در بروکسل موافقت خود را با تعامل اتحادیه اروپا و کشورهای عضو با ایران، به ویژه در چارچوب تلاش‌های سه کشور اروپایی و نماینده ارشد سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا اعلام کرد. (Kile, 2005, 27-28)

ایران از آن پس، تعامل و مذاکره با اتحادیه اروپا به نمایندگی از شورای حکام آژانس را سرلوحه دیپلماسی هسته‌ای خود قرار داد. هدف ایران در این مقطع آرام‌سازی فضا، همکاری و اعتمادسازی و جلوگیری از تمایل و نزدیکی شورای حکام و اتحادیه اروپا در مساله هسته‌ای ایران به ایالات متحده بود. در ۳۰ مهر ۱۳۸۳ (۲۱ اکتبر ۲۰۰۴) سه کشور اروپایی ضمن ارائه مشوق‌هایی از ایران خواستند کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را متوقف کنند. در آبان‌ماه در پی مذاکره ایران و ۳ کشور اروپایی در پاریس، ایران پذیرفت تا زمانی که مذاکرات ادامه دارد، غنی‌سازی اورانیوم را کاملاً به حالت تعلیق درآورد. در ۵ آذر ۸۳، بریتانیا، فرانسه و آلمان با آمریکا بر سر قطعنامه‌ای به توافق رسیدند که به ایران در مورد فعالیت‌های اتمی‌اش هشدار دهند. به طوری که در روز بعد، آژانس این قطعنامه را تصویب کرد. در ۲۸ آذر ۸۳ نماینده وقت ایران در آژانس، پروتکل الحاقی را امضا کرد (BBC, 5/8/2005).

در ۲۵ بهمن ۸۳، ایران اعلام کرد که ساخت رآکتور آب سنگین در اراک را متوقف نخواهد کرد. در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۴، اروپاییان به ایران هشدار دادند که هر گونه از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای به روند مذاکره پایان خواهد داد. در ۵ خرداد همان سال، ایران پذیرفت تصمیم نهایی خود را بعد از دریافت پیشنهادهای اروپا در اواخر ژوئیه موکول کند. این زمان سپس تا اواسط مرداد تمدید شد. در حقیقت طرفین منتظر ماندند تا تکلیف انتخابات ریاست‌جمهوری نهم سیر وقایع بعدی را مشخص سازد.

با خاتمه یافتن دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسید و در اندک زمانی پس از تصدی پست ریاست‌جمهوری تحولات بنیادی را در این عرصه پدید آورد. دولت جدید برخلاف دولت قبلی نگاه ایدئولوژیک تجدیدنظرطلبانه و برهم‌زننده وضع موجود نظام بین‌الملل را در پیش گرفت. دولت نهم مناسبات حاکم بر نظام بین‌الملل را ناعادلانه و نابرابر خواند و به دنبال بر هم زدن آن بود (سنایی، ۱۳۹۳، ۱۷۲-۱۷۱).

درواقع آرمانگرایی اسلامی محمود احمدی‌نژاد، بسیار آرمان خواهانه و حداکثری بود. احمدی‌نژاد به صورت غیرمنتظره و با چرخش ناگهانی به عقب، سیاست خارجی ایران را به سمت رادیکالیسم اسلامی دهه ۱۹۸۰ سوق داد و با در پیش گرفتن سیاست تجدیدنظرطلبانه با جهان خارج، در برهم زدن نظم حاکم بر نظام بین‌المللی و ایجاد نظم جدید بسیار کوشید. این نوع سیاست خارجی شدیداً به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و جهانی انجامید (Gosiorowski, 2007, 125-130).

در دولت نهم و دهم بازتعریف مجددی از غرب ارائه شد. جمع‌بندی از عملکرد غرب با جمهوری اسلامی آن شد که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی باشند در صدد تسلیم و تمکین ایران هستند. این نتیجه‌گیری باعث شد تا جمهوری اسلامی سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. این مواجهه‌جویی باعث شد تا آمریکا حمایت اروپا را در پرونده هسته‌ای ایران به دست آورده و در کنار تحریم‌های مختلف ایران، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع و قطعنامه‌های مختلف علیه کشور را به تصویب برساند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ۵۲۱-۵۲۰). لذا با روی کار آمدن دولت نهم در ایران، فضای روابط با اتحادیه اروپا بسیار سرد و سنگین شد. به غیر از پرونده هسته‌ای که مهم‌ترین و حساس‌ترین محور اختلاف طرفین بود؛ مسایلی چون هولوکاست و اظهارات احمدی‌نژاد در این رابطه به این فضای سخت دامن زد. تغییر نوع و فضای گفتگو با کشورهای گروه ۵+۱ بر این شرایط دشوار تاثیر منفی گذاشت، تا جایی که در موضوع هسته‌ای ایران تقریباً بالاترین حد همگرایی و اتفاق نظر بین اعضای اتحادیه مشاهده شد (خالوزاده و افضلی، ۱۳۹۰، ۱۷).

در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیئت‌ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت. اتحادیه اروپا، در ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرد تا زمانی که ایران به شفافیت و اعتمادسازی در برنامه هسته‌ای خود دست نزند، از برقراری روابط گسترده با آن خودداری خواهد کرد (همان، ۲۱-۲۰).

پرونده هسته‌ای ایران پس از به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد مجدداً ابعاد جدیدی یافت و استراتژی هسته‌ای کشور از «جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت» به استراتژی «دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای و عدم تعلیق مجدد فعالیت‌ها» تغییر کرد. در این راستا هر گونه همکاری مسالمت‌آمیز و تعلیق داوطلبانه کنار گذاشته شد و دولت با تاکید بر این نکته که صرفاً مقاومت و پافشاری بر حقوق هسته‌ای خواهد توانست انرژی هسته‌ای را برای کشور به ارمغان آورد، تاکتیک متفاوتی از روش‌های حکومت پیشین را در پیش گرفت و با فنی و حقوقی خواندن پرونده هسته‌ای ایران امکان ارجاع آن را به شورای امنیت رد نمود. احمدی‌نژاد از مخالفت تلویحی تهران با بسته مشوق‌های اقتصادی و سیاسی غرب در قبال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خبر داد و سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۸۴، ایران در حضور خبرنگاران داخلی و خارجی فراوری اورانیوم را در اصفهان از سر گرفت. اتحادیه اروپا این اقدام را محکوم کرد (سنائی، ۱۳۹۳، ۱۷۵).

در دوم شهریور ۸۴، بریتانیا، آلمان و فرانسه مذاکرات قبلی خود را با ایران به دلیل از سرگیری فعالیت‌های اتمی در اصفهان لغو کردند. فرانسه از سرگیری فراوری اورانیوم را ناقض مفاد توافقنامه پاریس (نوامبر ۲۰۰۴) اعلام نمود. در ۱۴ شهریور همان سال، لاریجانی؛ دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی درخواست اتحادیه اروپا مبنی بر اینکه ایران تا پیش از اجلاس ۲۹ شهریور آژانس فعالیت‌های غنی‌سازی خود را به حالت تعلیق درآورد، رد کرد. احمدی‌نژاد در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کرد برای تعدیل نگرانی‌ها همه کشورها در برنامه هسته‌ای ایران مشارکت کنند. او همچنین خواستار تشکیل کمیته‌ای در سازمان ملل برای مقابله با «آپارتاید

اتمی» شد. آمریکا و اتحادیه اروپا، واکنش تندی به سخنان رئیس‌جمهور ایران نشان دادند و از آژانس خواستند پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد. (BBC, 5/8/2005)

در سوم مهر ۸۴، قطعنامه شورای حکام با اکثریت آراء به تصویب رسید و از ایران خواست مذاکرات با ۳ کشور اروپایی را از سر بگیرد، پروتکل الحاقی را به تصویب قوه مقننه برساند و غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. ایران ضمن تاکید بر ادامه مذاکرات، موارد فوق را رد کرد. در ۲۱ دی، ایران غنی‌سازی اورانیوم جهت مصارف تحقیقاتی را از سر گرفت. در ۲۳ دی، وزرای خارجی بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کردند که مذاکرات اتمی با ایران به بن‌بست رسیده است و آنها می‌خواهند شورای امنیت در این پرونده مداخله کند. سرانجام در ۱۲ بهمن ۸۴، وزیران خارجه آمریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه، چین و آلمان و نماینده اتحادیه اروپا در اجلاسی در لندن با صدور بیانیه‌ای، درخواست کردند شورای حکام آژانس در نشست فوق‌العاده خود موضوع فعالیت هسته‌ای ایران را به شورای امنیت گزارش کند. در روز ۱۶ بهمن، در اجلاس اضطراری آژانس بالاخره ارجاع «گزارش» پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تصویب شد. شورای امنیت از مارس ۲۰۰۶ تا ژوئن ۲۰۱۰ یک بیانیه و ۶ قطعنامه (حاوی ۴ قطعنامه تحریمی علیه ایران) تصویب نمود. سه قطعنامه اولیه شورای امنیت (قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷) در فاصله کمتر از ده ماه پس از اولین سالگرد انتخابات دولت نهم به تصویب رسید. لذا با روی کار آمدن دولت نهم عملاً دوران تیره‌ای از مناسبات ایران و اروپا شروع شد. در سال ۲۰۰۸، در اجلاس وزرای خارجه اتحادیه نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا خارج شد (خالوزاده، ۱۳۹۰، ۱۸۶). اتحادیه اروپا نسبت به رفتار با ایران به تعامل با آمریکا نزدیک شد و اروپا و آمریکا حول موضوع مخالفت با چرخه کامل سوخت هسته‌ای در ایران به یک نقطه اشتراک رسیدند (قهرمانپور، ۱۳۸۷، ۱۸۵).

در این دوران تحریم‌های مختلفی توسط اروپا علیه ایران اعمال شد. وزیران خارجه اتحادیه اروپا در ۲ بهمن ۱۳۸۵ در بروکسل اجرای تحریم‌های در نظر گرفته شده در شورای امنیت علیه ایران (قطعنامه ۱۷۳۷) را تصویب کردند. این مصوبه محدودیت‌ها و همچنین تحریم‌های مالی بر علیه برخی از موسسات و شخصیت‌های ایرانی را به دنبال داشت. (ایسنا، ۱۳۸۵/۱۱/۲)

سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پایان نشست خود در بروکسل در سال ۱۳۸۶ بیانیه‌ای ۹۰ ماده‌ای منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه به ایران هشدار داده شد که در صورت عدم توقف غنی‌سازی اورانیوم با تحریم‌های بیشتری مواجه خواهد شد. پارلمان اروپا نیز در ژوئن ۲۰۰۸ در قطعنامه‌ای از کشورهای عضو خواست صدور هر گونه فناوری هسته‌ای را به ایران ممنوع کنند (خالوزاده و افضلی، همان، ۳۵).

کشورهای اروپایی در نشست ۳ تیر ۱۳۸۷ لوکزامبورگ، تحریم‌هایی را توسط وزیران کشاورزی و صید کشورهای اروپایی علیه ایران به تصویب رساندند. در این بیانیه، تحریم‌ها شامل اعطای وام، ضمانت‌های بازرگانی و بیمه برای صادرات می‌شد (آریا نیوز، ۱۳۸۷/۴/۳). رویکرد تحریم‌های سخت اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ روند پرشتایی گرفت. پس از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ (۱۹ خرداد ۱۳۸۹)، سران اتحادیه اروپا در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰ در زمینه تحریم‌های شدیدتر علیه ایران، به توافق رسیدند. اروپا اعلام کرد که تحریم‌هایی را در بخش‌های انرژی، سرمایه‌گذاری جدید، کمک فنی و نقل و انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه‌ها به ویژه حوزه‌های مربوط به پالایش، گدازش و فناوری گاز طبیعی مایع شده اعمال می‌کند (خالوزاده و افضلی، همان، ۳۸). وزرای خارجه اتحادیه نیز دو روز قبل از آن طی نشستی در لوکزامبورگ تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های سازمان ملل شامل تحریم‌هایی در زمینه صنایع نفت و گاز، حمل و نقل، بیمه، بانکداری، انتقال فن‌آوری، تجهیزات و خدمات علیه ایران را تصویب

کردند(همان، ۳۹).

در ۱۲ اوت ۲۰۱۰، اتحادیه اروپا ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های صنایع نفت و گاز طبیعی و موضوع وابسته به آن را ممنوع کرد. علاوه بر آن تامین بیمه و بیمه اتکایی به دولت ایران، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات دوگانه، فروش عرضه یا انتقال تجهیزات انرژی و فن‌آوری مورد استفاده ایران برای پالایش، میعان‌سازی گاز طبیعی، اکتشاف و تولید نیز مشمول تحریم‌ها قرار گرفت(عصر ایران، خرداد ۱۳۸۹).

در ماه مه ۲۰۱۱، وزرای خارجه اتحادیه اروپا نام صد شخص و شرکت جدید از جمله خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را به لیست شرکت‌ها و افراد شامل تحریم خود اضافه کردند. در اول دسامبر ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا نام ۱۸۰ ایرانی را به لیست تحریم‌های خود اضافه کرد. در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا عقد هر گونه قراردادهای جدید واردات، خرید و یا حمل و نقل نفت خام ایران و فرآورده‌های نفتی را ممنوع اعلام کرد. در این زمان همچنین دارایی‌های بانک مرکزی ایران در اروپا مسدود و تجارت طلا و سایر فلزات گرانبها با بانک‌ها و نهادهای دولتی ایران ممنوع شد. در ۲۳ فروردین ۱۳۹۱، وزیران خارجه اتحادیه اروپا در اجلاس بروکسل تصمیم گرفتند واردات نفت از ایران را به کشورهای اروپایی تحریم کنند.

مناسبات ایران و اروپا در این دوران در بعد حقوق بشر نیز تیره و تار بود. اتحادیه اروپا معتقد بود که ایران به میثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری احترام نمی‌گذارد. اتحادیه اروپا در موقعیت‌های مختلف، نظریات خود را در این خصوص به ویژه از طریق پارلمان اروپا ابراز می‌کرد (کتاب اروپا (۲)، ۱۳۸۲، ۷۸). گفتگوهای حقوق بشری که میان ایران و اروپا جریان داشت عملاً از سال ۲۰۰۴ متوقف شد و اتحادیه اروپا قطعنامه‌های مختلفی درخصوص نقض حقوق بشر در ایران صادر نمود (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰، ۶۱). اتحادیه اروپا در قطعنامه‌های مختلفی مدعی نقض حقوق بشر در ایران شد و اقداماتی از جمله تحریم برخی از مقامات و مسئولین را به همین دلیل در پیش گرفت (همان، ۶۱-۶۰). تیرگی روابط ایران و اروپا تا آخرین روزهای دولت دهم به همان صورت ادامه داشت.

روابط ایران و اروپا پس از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

مناسبات ایران و اروپا با روی کار آمدن حسن روحانی تغییر کرد. دلایل این تغییر را نخست می‌توان در مبانی جدید سیاست خارجی ایران جستجو کرد که عبارتند از: تاکید بر سیاست خارجی فعال، سازنده و واقع‌گرا؛ سیاست خارجی در خدمت تامین منافع ملی، اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی؛ تعامل سازنده و تنش‌زدایی.

پیروزی روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و برنامه‌های ارائه شده وی در عرصه سیاست خارجی با استقبال گسترده مقام‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله اروپایی‌ها مواجه شد. واکنش‌های مقامات اروپایی نشان‌دهنده استقبال آنها از ریاست‌جمهوری روحانی و امیدواری آنها به آغاز دور جدید از مناسبات حسنه ایران و اروپا بود. اروپایی‌ها با صدور بیانیه‌هایی ضمن استقبال از این انتخاب برای همکاری بیشتر در عرصه بین‌الملل با ایران اعلام آمادگی کردند. در همین زمینه فرانسه اعلام کرد که آماده همکاری با دولت روحانی درخصوص مسائل مختلف است. وزیر امور خارجه ایتالیا نیز پس از انتخاب رئیس‌جمهوری جدید ایران، ابراز امیدواری کرد که رم گفتگویی سازنده با این کشور داشته باشد. کاترین اشتون، مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا با ارسال نامه تبریک به روحانی از وی دعوت کرد تا در اسرع وقت مذاکرات با گروه ۵+۱ را از سر بگیرد. رئیس‌جمهوری فرانسه، نخست‌وزیر اسپانیا، صدراعظم آلمان و نخست‌وزیر انگلستان در پیام‌های جداگانه ای ضمن تبریک پیروزی روحانی نسبت به بهبود و توسعه روابط ایران و کشورهای شان ابراز خوش بینی کردند. وزیر امور خارجه فرانسه نیز در ملاقاتی با سفیر ایران در فرانسه عنوان کرد که آن کشور آماده است با دولتمردان جدید ایران کار کند، اما انتظار

دارد تهران گام‌های ملموسی را برای رفع نگرانی جامعه بین‌المللی از برنامه هسته‌ای ایران بر دارد. روسای جمهوری چک، اسلواکی و آلمان نیز در پیام‌های جداگانه‌ای انتخاب روحانی به ریاست‌جمهوری ایران را تبریک گفتند. همچنین در اقدامی دیگر خاویر سولانا مسئول اسبق سیاست خارجی اتحادیه اروپا که میهمان مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری ایران بود در ملاقات با رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس‌مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور ایران بر بهبود مناسبات ایران و اتحادیه اروپا در دوران جدید تاکید کرد (ایسنا، مرداد ۱۳۹۲).

سخنان رئیس‌جمهوری ایران در مراسم تنفیذ، تحلیف و اولین کنفرانس خبری پس از تحلیف نیز بازتاب وسیعی در بین رسانه‌ها و مطبوعات اروپا داشت. اکثر منابع خبری بخشی از سخنان روحانی را که بر آمادگی ایران برای از سرگیری مذاکرات به صورت جدی تاکید داشت منعکس کردند. پس از شروع به کار دولت یازدهم معاون وزیر خارجه ایتالیا به عنوان اولین مقام اروپایی وارد تهران شد و با نهایوندیان، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری ملاقات کرد. طرفین در این دیدار بر گسترش همکاری‌های دوجانبه تاکید کردند. (خبرگزاری آفتاب، تیر ۱۳۹۲)

در ۲۵ شهریور ۱۳۹۲، دیوان دادگستری اروپا تحریم شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و ۱۷ شرکت دیگر را باطل کرد. همزمان مدیرعامل شرکت توتال فرانسه رسماً آمادگی خود را برای بازگشت مجدد به صنعت ایران و به ویژه توسعه پارس جنوبی اعلام کرد. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه ۱۳۹۲، حسن روحانی و هانس فیشر؛ روسای جمهور ایران و اتریش با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند. حسن روحانی در این دیدار تصریح کرد که ایران می‌تواند مرکز انرژی مطمئنی برای اروپا باشد. رئیس‌جمهور اتریش هم در این دیدار با اشاره به روابط تاریخی و دیرینه دو کشور از ارتقاء مناسبات فی‌مابین استقبال کرده و گفت همکاری با ایران برای اتحادیه اروپا ثمربخش است. همچنین روحانی با فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فرانسه و ظریف با لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و درخصوص پرونده هسته‌ای و روابط دوجانبه گفتگو کردند. وزیر امور خارجه بلژیک نیز در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در دیدار با ظریف ضمن ابراز خرسندی از دیدگاه‌های دولت روحانی در عرصه سیاست خارجی برای تعامل با دنیا گفت: سیاست‌های دولت جدید ایران می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های بیشتر کشور با اتحادیه اروپا فراهم کند (ایرنا، مهر ۱۳۹۲).

پیرو مذاکرات وزرای خارجه ایران و انگلستان در نیویورک مقرر شد گفتگوها بین نمایندگان طرفین ادامه یابد. اندکی بعد وزیر امور خارجه انگلیس به ظریف پیشنهاد داد که دو کشور نسبت به تعیین کاردار غیرمقیم در پایتخت‌های یکدیگر اقدام کنند. همچنین ظریف با وزیر امور خارجه سوئیس دیدار و درخصوص مباحث مورد علاقه طرفین گفتگو کرد. همزمان در حاشیه گفتگوهای ایران و ۵+۱ معاونان وزرای امور خارجه ایران و انگلستان درخصوص پرونده هسته‌ای ایران و نیز سطح روابط دو کشور در ژنو دیدار و گفتگو کردند.

در ۲۷ مهر ۱۳۹۲ هیات پارلمانی اروپا وارد تهران شده و در مدت اقامت چهار روزه خود در تهران با برخی از مقام‌های ایران دیدار و گفتگو کرد. در نیمه دوم مهرماه قائم مقام وزیر خارجه سوئیس و رئیس اتریشی هیات پارلمانی اروپا در سفر به تهران و دیدار با برخی مسئولان کشور بر گسترش روابط ایران و اروپا و ضرورت لغو تحریم‌ها علیه ایران تاکید کردند. در شروع کار دولت یازدهم رئیس پارلمان ایرلند، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان، نخست‌وزیر اسبق ایرلند و معاون سیاسی و مدیرکل منطقه‌ای وزارت امور خارجه ایرلند به ایران سفر کردند. در ۱۲ آبان ۱۳۹۲ ظریف در دیدار با قائم مقام وزارت خارجه اتریش برای همکاری و تعامل با کشورهای اروپایی در سطح دوجانبه و مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه تثبیت ثبات و امنیت در منطقه اعلام آمادگی کرد. در نیمه آبان همان سال وزیر امور خارجه ایران که به منظور شرکت در مجمع سران سازمان یونسکو به پاریس سفر کرده بود با وزیر امور خارجه فرانسه دیدار کرد. در این دیدار، ظریف با یادآوری گفتگوهای سازنده ایران و گروه ۵+۱ در نیویورک، ژنو و وین، روند این مذاکرات را رو به جلو توصیف و ابراز امیدواری کرد در گفتگوهای آتی ایران و ۵+۱

ژنو این روند ادامه یابد. در ۳۰ آبان ۱۳۹۲، در سمینار معرفی ظرفیت‌های اقتصادی ایران به میزبانی اتاق بازرگانی مشترک ایتالیا و ایران، اعلام شد که شرکت‌های ایتالیایی به ویژه صنایع نفت به بازار ایران نیاز دارند.

رویکرد جدید ایران در پرونده هسته‌ای که با اعلام سیاست «ترمش قهرمانانه» مقام رهبری شروع شده بود با رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده ایران و گروه ۵+۱ در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در شهریور-مهر ۱۳۹۲ ادامه یافت. پس از مذاکره مستقیم وزرای خارجه ایران و آمریکا و سرانجام گفت‌وگوی تلفنی دو رئیس‌جمهور ایران و آمریکا، فضای جدیدی در مذاکرات هسته‌ای شکل گرفت. دور بعدی مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو در نیمه آبان ۱۳۹۲ برگزار شد. وزیر امور خارجه ایران قبل از شروع مذاکرات با کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار و گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو وزرای خارجه دو کشور ایران و آلمان با یکدیگر دیدار و درخصوص مسایل مورد علاقه طرفین گفتگو کردند. اما مذاکرات ژنو که پس از سه روز گفتگوهای سخت و فشرده و همراهی وزرای خارجه ۵+۱ همراه بود به نتیجه نرسید و مقرر شد طرفین ده روز دیگر مذاکرات را در ژنو از سر گیرند. ظریف پیش از شروع دور سوم گفت‌وگوهای ایران و ۵+۱ در ژنو به دعوت رسمی وزیر امور خارجه ایتالیا به زم سفر و با وی دیدار و درخصوص مسایل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱، ظریف در دیدار با وزیر امور خارجه سوئیس از تلاش‌های دولت سوئیس در برپایی مقدمات گفتگوهای ایران و ۵+۱ تشکر کرد.

این فضای مثبت ایجاد شده نهایتاً در ۳ آذر ۱۳۹۲ منجر به توافق ۶ ماهه ژنو شد. توافقی که اولین گام موثر برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران در طول ۱۰ سال گذشته به حساب می‌آید. مطابق این توافق مقرر شد که ایران توان غنی‌سازی خود را به ۵ درصد کاهش و تعداد سانتریفیوژهایش را افزایش ندهد و در مقابل ۵+۱ بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را لغو کند و برخی از دارایی و اموال بلوک شده ایران در بانک‌های خارجی را به این کشور مسترد سازد. براساس توافق ژنو صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری ایران به اتحادیه اروپا آزاد شد.

در اواخر آذر ۱۳۹۲، رئیس اتاق بازرگانی اتریش تصریح کرد که اتریش از برداشتن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بسیار خوشحال است. در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۲، ۴ تن از اعضای پارلمان انگلستان از جمله جک استراو وزیر امور خارجه اسبق انگلستان به تهران سفر و با برخی از مقام‌های ایرانی دیدار و گفتگو کردند. جک استراو بر بهبود روابط انگلیس با ایران و ارتقای سطح آن تاکید کرد.

در اواخر دی‌ماه ۱۳۹۲، رئیس کمیسیون سیاست خارجی پارلمان ایرلند و اعضای هیات پارلمانی این کشور در سفر به ایران با وزیر امور خارجه دیدار و درخصوص مسایل مورد علاقه دو طرف گفتگو کردند. در اول بهمن ماه ۱۳۹۲، وزرای خارجه ایران و انگلیس در گفتگوی تلفنی در مورد آخرین وضعیت روابط دوجانبه، مذاکرات هسته‌ای و اجرایی کردن برنامه اقدام مشترک بحث و تبادل نظر کردند. در ۷ بهمن ۱۳۹۲، ظریف در دیدار با وزیر میراث و فعالیت‌های فرهنگی و گردشگری ایتالیا بر لزوم گسترش همکاری‌های فرهنگی بین دو کشور تاکید کرد. در نیمه بهمن ماه و در حاشیه پنجاهمین کنفرانس امنیتی مونیخ، وزیر امور خارجه ایران در دیدار با رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس آلمان درخصوص تحولات روابط دوجانبه و همکاری‌های پارلمانی دو کشور بحث و تبادل نظر کردند. همچنین ظریف با لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه نیز دیدار و گفتگو کرد. وزیر خارجه ایران در این دیدار با مرور آخرین تحولات روابط دوجانبه ایران و فرانسه ظرفیت‌های مربوط به همکاری اقتصادی دو کشور را در حوزه‌های مختلف برشمرد. همزمان وزیر امور خارجه سوئد در سفر به تهران با ظریف دیدار و درخصوص روابط فی‌مابین، مناسبات ایران و اتحادیه اروپا و مهم‌ترین تحولات منطقه و جهان دیدار و گفت‌وگو کرد. در ۱۴ اسفند ۱۳۹۲، وزیر خارجه بلژیک به تهران سفر و با ظریف دیدار و گفتگو کرد. دو طرف در این دیدار درباره توسعه مناسبات دوجانبه و همچنین روابط ایران و اتحادیه اروپایی گفتگو کردند.

در ۱۱ اسفند ۱۳۹۲، وزیر امور خارجه اسپانیا در تهران با ابراز خرسندی از روند به وجود آمده درباره گفتگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ آمادگی کشورش برای گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مورد تاکید قرار داد. در اواخر اسفند ۱۳۹۲، کاترین اشتون به تهران سفر کرد. اشتون با وزیر امور خارجه، رییس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، ولایتی و جلیلی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی دیدار و گفتگو کرد. (اسفند ۱۳۹۲).

در ۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، وزیر امور خارجه اتریش و هیئت پارلمانی فرانسه به تهران سفر و با ظریف دیدار و درخصوص روابط دوجانبه و مسایل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو کردند. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ نیز ظریف در دیدار با رئیس مجلس اسلوانی بر گسترش مناسبات دو کشور و همین‌طور ایران و اتحادیه اروپا تاکید کرد. سرانجام مذاکرات ایران و ۵+۱ در تیرماه ۱۳۹۳ منجر به تمدید توافق موقت ژنو برای ۴ ماه دیگر تا ۳ آذر ۱۳۹۳ شد. در زمان نگارش این مقاله (بهمن ماه ۱۳۹۳) مذاکرات طرفین پس از یک تمدید مجدد ۷ ماهه برای رسیدن به توافق نهایی و جامع کماکان ادامه دارد.

در ۹ شهریور ۱۳۹۳، ظریف با وزیر امور خارجه فنلاند دیدار و درخصوص آخرین تحولات روابط دوجانبه و موضوعات منطقه گفتگو کرد. روز بعد وزیر امور خارجه ایران به بروکسل سفر و با وان رامپوی رئیس شورای اروپا ملاقات و درخصوص آخرین تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و روند همکاری‌ها و ارتباطات ایران و اتحادیه اروپا گفتگو کرد. رامپوی در این دیدار ایران را یک شریک خوب برای اتحادیه اروپا دانست. ظریف در دیدار با دووال رئیس پارلمان بلژیک نیز آخرین وضعیت مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد گفتگو و تبادل نظر قرار داد. دیدار با رئیس مجلس و نخست وزیر لوکزامبورگ و رئیس مجلس سنای ایتالیا در اروپا و نیز دیدار با وزیر امور خارجه دانمارک از دیگر ملاقات‌های ظریف در شهریورماه بود. وزیر خارجه دانمارک با روحانی نیز ملاقات و خواهان گسترش روابط طرفین شد. (ایرنا، شهریور ۱۳۹۳)

وزیر امور خارجه ایران همچنین با سفیر جدید نروژ، وزیر امور خارجه اسلواکی و سفیر جدید ایتالیا در تهران دیدار و پیرامون توسعه روابط با کشورهای اروپایی گفتگو نمود. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه سال ۹۳ ظریف با وزیر امور خارجه ایتالیا و روحانی با فرانسوا اولاند دیدار و گفتگو کردند. ضمن اینکه دیدار روحانی با دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس پس از حدود ۳۵ سال از دیدار مقامات عالی‌رتبه دو کشور در نوع خود در سازمان ملل اتفاق کم سابقه‌ای بود. ظریف نیز در دیدار با رئیس مجلس ایرلند با اشاره به ظرفیت‌های زیاد دو کشور خواستار افزایش سطح همکاری‌های ایران و ایرلند شد. وزیر امور خارجه با اعضای شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا، سفیر جدید بلژیک در تهران، دومنیک دوویلین نخست‌وزیر سابق فرانسه و وزیر مشاور در امور فرهنگی پرتغال نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. (ایسنا، مهر ۱۳۹۳).

در مجموع، واکنش مقامات اروپایی نشان دهنده استقبال آنها از ریاست جمهوری روحانی و امیدواری آنها به آغاز دور جدیدی از مناسبات حسنه ایران و اروپاست. در حقیقت نقش و جایگاه منطقه ای ایران و جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه مناسب و همه‌جانبه به وجود آورده است. اروپا به دنبال ایجاد نظامی چندجانبه‌گرا در جهان است و لذا جایگاه ژئواستراتژیکی ایران و نفوذ سیاسی و فرهنگی در منطقه و منابع گسترده انرژی، ایجاد کننده روابط مثبت طرفین در آینده می‌باشد. موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت اقتصادی این کشور در دو بعد دسترسی به بازارهای داخلی و همچنین تامین انرژی برای اروپا، نقش آن در تامین امنیت خلیج فارس، اهمیت ایران در روند صلح خاورمیانه و نفوذ سیاسی اش در منطقه و نقش مهم ایران در برقراری صلح و ثبات در افغانستان و عراق، نفوذ قابل توجه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مولفه‌های مهمی هستند که جایگاه ایران را نزد اتحادیه اروپا ارتقاء می‌دهند.

اتحادیه اروپا پس از یازده سپتامبر از نفوذ یکجانبه آمریکا در منطقه ناراضی بوده و تلاش برای احیاء جایگاه خود در منطقه دارد. موقعیت سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی ایران و منابع عظیم نفت و گاز این کشور از نکات قابل توجه اتحادیه اروپا به ایران

می باشد. علاوه بر اینکه، ایران قوی ترین قدرت نظامی منطقه و پرنفوذترین کشور در تحولات فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان محسوب می شود. لذا تقویت رابطه با ایران می تواند بخش اعظمی از نیازهای اروپا را برای برقراری نظم و امنیت در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس فراهم سازد. از سوی دیگر ایران می تواند از اتحادیه اروپا به عنوان وزنه تعادل در برابر فشارهای آمریکا استفاده کند و اروپا نیز می تواند در تعدیل رویکرد افراطی واشینگتن نسبت به ایران تاثیرگذار باشد. استفاده از توانمندی های اقتصادی اتحادیه، بهره گیری از نفوذ اروپا در مجامع و سازمان های بین المللی و جذب سرمایه های خارجی و تکنولوژی اروپا از دلایل تمایل ایران در توسعه و ارتقای روابطش با اتحادیه اروپا در دولت یازدهم می باشد.

تحلیل روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم بر مبنای نظریه سازه گرایی

با توجه به موارد اشاره شده، در اینجا به تجزیه و تحلیل روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم بر مبنای نظریه سازه گرایی می پردازیم. همانطور که اشاره شد سازه گرایان به هویت و منافع دولت به مثابه بالاترین محصول یک روند تاریخی می نگرند. در این میان به نظر آنها هویت مقدم بر منافع است؛ اساسا ما به دنبال هویت خود به دنبال منافع می رویم و هویت و منافع نیز در قالب جمع معنا می دهند و یک دولت هیچگاه به صورت فردی نمی تواند هویت و منافع خود را تعریف نموده و ارزیابی نماید.

منافع خاص اروپایی ها در هویت خاصی تثبیت شده است و لذا اروپا در ادامه روابط خود با ایران بر تقدم بخشیدن به مقوله هویت به جای منافع، تاکید فراوان می کند و با توجه به گفتمان برتر خود نسبت به ایران در نظام بین الملل اولاً بر تداوم روابط خود با ایران تاکید می نماید؛ ثانياً تاکید فراوان دارد که هویت جمهوری اسلامی ایران باید با معیارها و هنجارهای پذیرفته شده در سطح بین المللی مطابقت نماید. این دقیقاً همان عبارت کلیدی در رویکرد سازه انگاری است که یک دولت در تعاملات بین المللی، هیچگاه نمی تواند به صورت فردی هویت و منافع خود را تثبیت یا تعریف نماید و هویت در قالب جمعی معنا و مفهوم می یابد. نظر دیگر سازه گرایی مبنی بر آنکه حقوق بین الملل و دیگر اصول هنجاری پذیرفته شده توسط جامعه بین المللی مفاهیم اولیه حاکمیت را از میان برده اند و مشروعیت قدرت دولت را تحت الشعاع قرار داده اند، به خوبی در روابط ایران و اتحادیه اروپا متجلی است. لذا اروپا مبتنی بر این دیدگاه سازه گرایان که حاکمیت حق ذاتی یک دولت نیست، بلکه حقی است که توسط دیگر دولت ها به یک دولت خاص اعطا می گردد؛ به خود حق می دهد که در امور داخلی ایران ورود نماید (همچون صدور قطعنامه در خصوص حقوق بشر در ایران یا ملاقات مسئول سیاست خارجی اتحادیه با فعالان حقوق بشر و زنان ایرانی).

مطابق نظر سازه گرایان که دگرگونی در اندیشه افراد و دولت ها نسبت به روابط بین الملل را باعث تحول عمیق و بنیادین در امنیت و صلح بین المللی و ثبات جهانی می دانند، اتحادیه اروپا از ادامه مناسبات و گفتگوها جهت تغییر یا تعدیل مواضع ایران نسبت به مسایل جهانی استفاده می کند. تلاش اتحادیه بر گفتگو، تفاهم و درک متقابل جهت تغییر و تعدیل ایده های متعارض با صلح و امنیت بین المللی دقیقاً مطابق با نظریات سازه گرایان است. در مقابل ایران در گفتگوهای خود با اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده است به طرف مقابل القاء کند که خط مشی مطلوب ایران ادامه گفتگوها با اولویت دستاوردهای اقتصادی-مالی متقابل و حذف مواردی چون حقوق بشر است.

پس از ریاست جمهوری روحانی و ایجاد فضای گفت‌وگویی جدید در ایران و طرح مباحث جدید در سیاست خارجی، انگاره‌های جدیدی در ذهنیت اروپایی‌ها نسبت به ایران شکل گرفت. پیام‌های ارسالی بعدی ایران نیز باعث تقویت هر چه بیشتر این انگاره‌ها و تصورات شد. همانطور که اشاره شد طبق نظریه سازه‌گرایان، هویت و منافع دولت‌ها ثابت نیست. هویت دولتها شکل دهنده منافع آنهاست و هویت دولت‌ها نیز در روند تعاملات میان بازیگران با یکدیگر شکل می‌گیرد. شکل‌گیری گونه‌های جدید تعاملات، به تدریج هویت بازیگران و در نتیجه منافع و نوع رابطه میان بازیگران را تغییر می‌دهد. از دیدگاه سازه‌گرایان، هنجارها و قواعد علاوه بر این که هویت بازیگران را شکل می‌دهند، روابط میان آنها را نیز تنظیم می‌کنند. بر این اساس هنجارهای جدید ایجاد شده که علائمش نیز در ظرف کمتر از چند ماه خود را نشان داد می‌توانست روابط جدیدی میان ایران و اتحادیه اروپا را از مرداد ۱۳۹۲ به بعد باعث شود. در واقع چون دولت‌ها می‌توانند با تغییر در عملکرد و رویه‌های تعامل میان خود، تلقی و نگاه دیگر بازیگران را نسبت به خود عوض کنند؛ لذا چارچوب رفتاری اروپا و ایران نسبت به یکدیگر کاملاً تغییر کرد. و از آنجایی که دگرگونی‌های بنیادین در سیاست بین‌الملل هنگامی رخ می‌دهد که باورها و هویت‌های کنشگران داخلی تغییر کند و از این طریق، قواعد و هنجارهای قوام‌بخش در رویه‌های سیاسی آنها تغییر ایجاد کند، باورهای اتحادیه اروپا نسبت به ایران پس از سال ۱۳۹۲ باعث تغییر در دیدگاهها و تغییر رفتار آن اتحادیه نسبت به ایران شده و خواهد شد.

در نهایت همانطور که اشاره شد سازه‌گرایان سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، نامتجانس تر و متناقض تر باشد میزان بی‌اعتمادی میان آنان افزایش بیشتری می‌یابد. این مساله در مناسبات ایران و اتحادیه اروپا نیز کاملاً صدق می‌کند. اروپا در سالهای ۱۳۸۴ به بعد به این باور رسید که با دولت ایران بر سر موضوعات مختلف اختلاف دیدگاههای شدید دارد و این باور به مرور بر روابط ایران و اتحادیه اروپا تاثیر گذاشت. اما همین تصور از سال ۱۳۹۲ به بعد بتدریج تغییر کرد. اتحادیه اروپا و ایران به سوی درک مشترک و متقابل از منافع و تهدیدها حرکت کردند و همین مساله باعث بهبود مناسبات طرفین شد.

نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد کشورهای اروپایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ علاقمند به برقراری روابط و استفاده از امکانات اقتصادی ایران بوده‌اند. هرچند روابط طرفین فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. پیروزی انقلاب اسلامی، اشغال سفارت آمریکا در تهران و حمایت اروپا از عراق در جنگ ایران و عراق، هرچند بر روابط طرفین اثر منفی برجای گذاشت، اما مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ایران کم و بیش ادامه یافت. بحران ناشی از صدور فتوای قتل سلمان رشدی و نیز بحران صدور حکم دادگاه میکونوس روابط طرفین را برای مدت زمانی دچار مشکل کرد اما نیازها و منافع مشترک مجدداً آنها را به یکدیگر نزدیک ساخت. دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی اوج مناسبات دوستانه دو طرف بود که با مساله پرونده هسته‌ای ایران دچار نوساناتی شد.

اروپا در مذاکرات هسته‌ای تلاش کرد با محوریت خود قضیه را حل و فصل کند. اما با به قدرت رسیدن اصولگرایان و تغییر استراتژی هسته‌ای ایران مناسبات دو طرف تیره و تاریک شد. به گونه‌ای که اروپا سرانجام در ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در کنار آمریکا قرار گرفت و شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال نمود. با برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران و روی کار آمدن حسن روحانی مرحله جدیدی از مناسبات ایران و اروپا آغاز شد. اروپا از فضای

جدید به دست آمده استفاده لازم را برد. فضایی که با شروع دوره جدیدی از مذاکرات هسته ای با محوریت اروپا شروع و به توافق ژنو منجر شد. اندکی پس از توافق ژنو هیئت های سیاسی و اقتصادی اروپایی وارد ایران شدند تا از شروع مناسبات جدید استفاده لازم را برده و عقب ماندگی هشت سال گذشته خود را جبران نمایند.

در مجموع با استفاده از نظریه سازه گرایی در تحلیل روابط ایران و اتحادیه اروپا می توان گفت که چون منافع خاص اروپایی ها در هویت خاصی تثبیت شده است، اتحادیه اروپا در ادامه روابط خود با ایران بر تقدم بخشیدن به مقوله هویت به جای منافع تاکید می کند. اتحادیه اروپا تاکید دارد که هویت ایران باید با معیارها و هنجارهای پذیرفته شده در سطح بین المللی مطابقت نماید. اما در عین حال اتحادیه از ادامه گفتگوها با ایران جهت تغییر یا ایجاد تعدیل در مواضع ایران نسبت به موضوعات مختلف حمایت می کند. نتیجه یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و تغییر فضای گفتمانی در ایران و طرح و پیگیری موضوعاتی چون تنش زدایی، اعتدال، تعامل سازنده با جهان و بازسازی مناسبات ایران و کشورهای خارجی در سیاست خارجی چون باعث ایجاد انگاره های جدیدی شد با استقبال کشورهای اروپایی روبرو شد.

اتحادیه اروپا تحت تاثیر انگیزه های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه گذاری در ایران، افزایش نفوذ در منطقه، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ و جایگاه ایران، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و ایجاد نظام چندجانبه گرایی به جای یکجانبه گرایی آمریکا در خاورمیانه و ایفای نقش یک قدرت بین المللی اثرگذار در کنار آمریکا به ویژه در پرونده هسته ای ایران؛ تلاش می کند تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد.

در مقابل ایران نیز در راستای بهره گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین الملل، استفاده از قدرت سیاسی و بین المللی آن در حل و فصل بحران های بین المللی، جذب سرمایه گذاری های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا در مسایل گوناگون، بهره گیری از قدرت سیاسی- اقتصادی آن در مقابل آمریکا و کم اثر ساختن فشارهای سیاسی و اقتصادی واشینگتن به ویژه در زمینه پرونده هسته ای، می تواند روابط خودش را با اروپا گسترش دهد. بر این اساس و با توجه به نگاه اغلب کشورهای اروپایی به دولت جدید ایران و نیز آغاز گفتمان اعتدال گرایی در ایران، اتحادیه اروپا و ایران به برداشت جدیدی مبتنی بر همکاری متقابل با یکدیگر دست یافته اند و لذا در صورتی که پرونده هسته ای ایران به توافق نهایی و جامع ختم شود می توان پیش بینی کرد مطابق نظریه سازه انگاری مناسبات ایران و اتحادیه اروپا رو به بهبود و ارتقاء خواهد بود.

منابع:

- دهقان طرزجانی، محمود(۱۳۷۹)، روابط خارجی ایران و همسایگان در دهه دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سروش.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال(۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- ذاکریان، مهدی(۱۳۸۰)، سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران، تهران، انتشارات همشهری.
- رحمانی، علی و سعید تائب(۱۳۷۵)، گفتگوهای ایران و اروپا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- عبدالله خانی، علی(۱۳۸۲)، نظریه‌های امنیت، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.
- علیخانی، حسین(۱۳۸۰)، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- قهرمانپور، رحمان(۱۳۸۷)، رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کتاب اروپا(۲): ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا(۱۳۸۲)، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.
- مشیرزاده، حمیرا(۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
- نوازی، بهرام(۱۳۸۱)، گاه‌شمار سیاست خارجی ایران-از مردادماه ۱۳۶۷ تا خردادماه ۱۳۸۰، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اسکندریان، مهدی(۱۳۸۳)، "هویت و رابطه ایران و اتحادیه اروپایی"، کتاب اروپا(۳) ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.
- خالوزاده، سعید و توحید افضلی(۱۳۹۰)، "رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال اروپا"، کتاب اروپا(۱۰)، گردآوری و تدوین بهزاد احمدی لفورکی، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.
- خالوزاده، سعید(۱۳۹۰)، "نقش آفرینی اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران"، کتاب اروپا(۱۰)، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.
- سجادی‌پور، سید محمد کاظم(۱۳۸۰ الف)، "سرنوشت مهار ایران توسط آمریکا در دوران خاتمی-درس‌هایی برای سیاست خارجی ایران"، سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران، گردآوری و تدوین: مهدی ذاکریان، تهران، انتشارات همشهری.
- سجادی‌پور، سید محمد کاظم(زمستان ۱۳۸۰ ب)، "ایران و یازده سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۴.
- سنائی، اردشیر(۱۳۸۲)، "تنش‌زدایی در روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا"، فصلنامه برداشت دوم، سال اول، ش ۳، زمستان ۱۳۸۲.
- سنائی، اردشیر(۱۳۹۳)، جزوه درسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- دهشیری، محمدرضا(تابستان ۱۳۸۰)، "چرخه آرمانگرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، ش ۲.

- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۹۰)، "حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران"، کتاب اروپا (۱۰)، گردآوری و تدوین: بهزاد احمدی لفورکی، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.

- عباسی اشلقی، مجید (پاییز ۱۳۸۳)، "تحلیل امنیت در پارادایم های حاکم بر روابط بین الملل"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۳.

- فلاحی، علی (۱۳۸۰)، "سازنده گرایی در سیاست خارجی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱.

- نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۱)، "نقش تروریسم در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا"، کتاب ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم اندازها، ج ۱، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.

- نوروز (۸۱/۴/۱۶)، سال دوم، ش ۳۶۶.

- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، "سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.

- خبرگزاری ایرنا، مهر ۱۳۹۲ و شهریور ۱۳۹۳.

- خبرگزاری ایسنا، مرداد ۱۳۹۲ و مهر ۱۳۹۳ و اسفند ۱۳۹۲.

- خبرگزاری آفتاب، تیر ۱۳۹۲.

- Ehteshami, Anoshiravan (1995), *After Khomeini: The Iranian Second Republic*, London, Rutledge.

- Gasiorowski, Mark (Summer 2007), "The New Aggressiveness in Iran's Foreign Policy", *Middle East Policy*, vol.x17. no. 2.

- Guzzini, Stefano (2000), "A Reconstruction of Constructivism in International Relations", *European Journal of International Relations*, vol.6 (2).

- Halliday, T. Fred (Spring 1994), "An Elusive Normalization: Western Europe and The Iranian Revolution", *Middle East Journal*, vol.48, no.2.

- Hunter, Shirin (1991), *Iran and the World: Continuity in a Revolutionary Decade*, Bloomington, and Indiana University Press.

- Kile, Shannon N. (2005), "Europe and Iran: Perspectives on Non-Proliferation", SIPRI, Research Report no.21, Oxford University Press.

- "Roundtable on Iran- EU Relations" (Spring 2001), *The Iranian Journal of International Affairs*, vol. xiii, no.1.

- Wendt, Alexander (1992). "Anarchy Is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics", *International Organization*. Vol. 46, No. 2.

- <http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/08/05>.